

دکتور لعل زاد

فبروری ۲۰۲۰

میرغلام محمد غبار یا پدر تاریخ سازی جعلی افغانستان!

=====

بسیاری از دوستان و هموطنان عزیز ما غبار را با کتاب مشهور «افغانستان در مسیر تاریخ، ۱۳۴۶» او می شناسند، غافل از اینکه او چندین دهه پیش، نخستین جریده هفتگی «ستاره افغان، ۱۲۹۸» را در دوران امان الله و تاریخ سازی جعلی برای کشوری بنام افغانستان را با نگارش دو رساله مهم زیر نام های «افغانستان و نگاهی به تاریخ آن، ۱۳۱۰» و «تاریخچه مختصر افغانستان، ۱۳۱۱» در دوران نادرشاه بنیاد نهاد (مانند کشف آریانا، باختر، خراسان، پیشینه ۴۰۰۰ ساله برای کشور افغانستان، پیشینه ۲۵۰۰ ساله برای قوم پختون و...)! و آن هم در زمانی که نه حبیبی بود، نه کهزاد، نه پشتو تولنه و نه انجمن تاریخ...

محتوای بخشی از این دو رساله او قرار زیر است (از رساله «احمد شاه بابای افغان» او که در ۱۳۱۷ و به فرمان سردار داود نوشت و سایر آثار او در انجمن تاریخ صرفنظر می کنیم):

۱. افغانستان و نگاهی به تاریخ آن!

(مجله کابل، ۱۳۱۰، سال اول، شماره ۲، ص ۴۳)

افغانستان در چهار هزار سال پیشتر (تخمینا) از طرف اقوام آریایی که از سواحل سیحون و جیحون در افغانستان هجرت کرده و بدوا ولایت هرات را مسکن قرار داده بودند، بمناسبت نام مهاجرین آریایی آریانا نامیده شد.

تقریبا در سه هزار سال قبل هنگامیکه این نژاد آریایی در ولایت بلخ به تشکیل سلطنت پرداختند، افغانستان موسوم به باکتريا گردید و در اثر تبدلات طبیعی اسم باکتريا بود که ولایت بزرگ مشرقی افغانستان باکتيا و متعاقبا پاکتيا خوانده شد و ساکنین آن با اسم باکتين مشهور گردیدند، پکتون و پکتانه یا پختون و پختانه از همان اسم پاکتيا و پکتين گرفته شده و بعد ها اسم ملی افغانستان گردید و اجانب و هندو ها پشتانه را به پتهان مبدل ساختند... اعراب باین مملکت خراسان نام نهادند... بالاخره از دو نیم قرن پیشتر افغانستان اسم عمومی و ملی مملکت گردید...

در عهد حکومت های یونانیان بلخ در قبل المیلاد و یا دور های سلاطین کوشانی و هیاطله ها در بعد المیلاد و هکذا در زمان سلطنت های غزنویه و غوریه در بعدالاسلام، حتی در عهد خروج ابدالیان در دو قرن پیشتر، مملکت افغانستان دارای چنان تشکیلات عظیمه امپراطوری بود که حدود سیاسیه اش بعلاوه افغانستان طبیعی شامل ممالک ماورالنهر، خوارزم، قسما فارس و هندوستان بوده و گاهی هم تعداد اتباع امپراطوری افغانستان به یکصد میلیون میرسید...

لینک این رساله:

<http://www.khorasanzameen.net/php/read.php?id=1594>

۲. تاریخچه مختصر افغانستان!

(سالنامه کابل، ۱۳۱۱، ص ۷)

افغانستان مملکتی است در آسیای جنوبی که جغرافیای طبیعی و نژادی قدیم او شامل ممالک افغانستان حالیه، بخارا و سمرقند، خوارزم، خراسان و کرمان، کل سیستان، بلوچستان، سند و پنجاب، کشمیر است. اما جغرافیای سیاسی قدیم او بعلاوه ممالک مذکور شامل ولایات کاشغر، ختن، قسما فارس و حوضه های هندوستان تا رودبار گنگا و جمنا شمرده میشد.

در قرون ماقبل المسیح افغانستان بنام های باختر، آریانه، آریاورتا خوانده میشد و در دوره اسلام مشهور به خراسان گردید.

ولایات عمده افغانستان قدیم عبارت بود از: تخارستان (قطغن و بدخشان حالیه)، باختر (میمنه و مزار)، سغد (بخارا و سمرقند)، خوارزمیش (خوارزم)، آریانا (هرات)، اپارتیا (خراسان)، کارامانیا (کرمان)، سکاستین یا سجستان (سیستان، فراه و پشت رود)، زابلستان اراکوسیا (قندهار)، اورشیا (بلوچستان)، اندس (سند)، زت کوش (پنجاب)، کشمیر، بلورستان یا بولر (نورستان و چترال)، پاکتیا یا پاختیا (سمت جنوبی حالیه)، گندهارا (ولایات پشاور، سوات، کابل)، غور (هزاره جات حالیه و غور).

لینک این رساله:

<https://jawedan.com/wp-content/uploads/2019/05/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%DA%86%D9%87->

[%D9%85%D8%AE%D8%AA%D8%B5%D8%B1-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-1.pdf](#)

+++

تمام تاریخ سازی ها و افغان سازی های بعدی توسط «پشتو تولنه، ۱۳۱۶» و اعضای آن (حبیبی، بینوا، رشتین، خادم وغیره) و «انجمن تاریخ، ۱۳۲۱» و اعضای آن (کهزاد، غبار وغیره) بر بنیاد همین کشفیات و اختراعات غبار در این دو رساله است که آن را با سندسازی ها، هویت سازی ها و اسطوره سازی های بیشتر (مثل پته خزانه ها، ملالی ها وغیره) به پایه اکمال رسانیدند...

اما غبار در پایان عمر خود که کتاب مشهور «افغانستان در مسیر تاریخ» را در مذمت دربار نوشت، باز هم به هیچ یک از این تاریخ سازی ها، افغان سازی ها و اسطوره سازی ها اشاره ای نکرد، در حالیکه او شاهد عینی تمام این حوادث و فجایع بود!!!

افغانستان جغرافی :

افغانستان در چهار هزار سال پیشتر (تخمبناً) از طرف اقوام آریائی کازسواحل سیحون و جیحون در افغانستان هجرت کرده و بدوای ولایت هرات را مسکن قرار داده بودند ، بمناسبت نام مهاجرین آریائی آریانا نامیده شد . تقریباً دزسه هزار سال قبل هنگامیکه این نژاد آریائی در ولایت بلخ به تشکیل سلطنت پرداختند ، افغانستان وسوم به با کتریا گردید و در اثر تبدلات طبیعی اسم با کتریا بود که ولایت بزرگ مشرقی افغانستان با کتیا و متاقباً با کتیا خوانده شد ، و ساکنین آن با اسم با کتین مشهور گردیدند ، بکتون

تاریخچه مختصر افغانستان

مستقله سال ۱۳۱۱

نگارش جناب میرغلام محمدخان غبار
عضو انجمن ادبی کابل

افغانستان مملکتی است در آسیای جنوبی که جغرافیای طبیعی و آزادی قدیم او شامل ممالک افغانستان حالیه ، بناروا و سمرقند ، خوارزم ، خراسان و کرمان ، گلستان ، بلوچستان ، سند ، پنجاب ، کشمیر است ، اما جغرافیای سیاسی قدیم او علاوه ممالک مذکور شامل ولایات کاشغر ، ختن ، قبا ، فارس و حوضه های هندوستان تا رود بلخ گنگا و جنانا همزده میشد . در قرون مابین المسیح افغانستان بنام های باختره آریانه ، آریا ورتا خوانده میشد ، و در دوره اسلام مشهور به خراسان گردید ، ولایات عمده افغانستان قدیم عبارت بود از : - تخارستان (قطن و بدخشان حالیه) باختر (میننه و مزار) سغد (بخارا و سمرقند) خوارزمش (خوارزم) آریانا (هرات) ابرتریا (خراسان) کارامانیا (سمرقند) سگستان یا - چستان (سینان - فراه و پشت رود) ذابلسان یا اراکوسیا (قندهار) اوریشیا (بلوچستان) اندس (سند) زت کوش (پنجاب) کشمیر ، بلورستان یا یور (نورستان و چترال) باکتیا یا باختا (سمت جنوبی حالیه) کندهارا (ولایات پندور سوات ، کابل) غور (هزاره حات حالیه وغور) .

وی نیاکان غیورت مردو راد
تا ز اسرار حیات آگاه شوی
حافظ کهسار و قلب آسیا
یا چو اسلاف غیورت زندگی
هم بر این شالوده کاخت بر فراز
قصر ملت را بر ان تعمیرکن

قوم من ! ای توده والا نژاد
باتو دارم گفتگوی محرمی
بشنوای پشتون باصدق وصفا
گربزرگی خواهی و ازادگی
اولا پشتو لسانت زنده ساز
تاتوانی تکیه بر شمشیر کن

(عبدالحمی حبیبی مدیر طلوع افغان ، میزان سال ۱۳۱۷ ش)

افغانستان در جریان تاریخ

افغانستان در جریان تاریخ ۵۰ هزار ساله ناهمرو زرت دوره اولی پالاه ای اولی تیک (دوره قدیم حجر) که شکسار پان نیمه بر هندو غارهای هند و کش ز ند گانی داشتند تا وسط قرن ۲۰ تحولات بزرگ گونا گونی و ایدمه که در همه ای آن نقش موقعیت جغرافیائی کشو در دل آسیا مشهور دست از غار فره کم (تزدیکی ایبیک) تا تپه ای مند یگسک (۵۵ کیلومتری شمال قندهار) باشندگان قدیم دوره های قدیم و جدید هجری از ۵۰۰ تا ۵ هزار سال قبل راهی را در اثر پیش سنگ صیقل کردن از آن می گذرد تا اینکه بحیث کسوجسی و مالدرد و رح و زه همای ارغنداب ز هیرمند منتظر گر دید . از رو زاول استقرار او و لین دسته مسر دسان